



Research Article

Civil Liability Resulting from Reluctance Based on the Perspective of Iranian Jurisprudence and Law: With Emphasis on Civil Law and Civil Liability Law

Mahdi Ashouri¹

Masoud Barchakh²

Received: 23/01/2021

Accepted: 26/11/2021

Abstract

About unfair damage to a person who is a guarantee, if it is due to reluctance, sometimes Mukrah, sometimes third parties, and rarely Mukrih himself are responsible for the damage. Damage caused by reluctance is in some cases due to reluctant crime and sometimes to non-crime. In addition, reluctance may be related to the loss or aggravation of the destruction or defect or imperfection of another person's property (both guaranteed and non- guaranteed property). It may also force another person to usurp the property, without reluctance to waste, defect, or impair that property, and that person can be forced to take legal action. In addition, being forced to incur material and moral damage in reluctant adultery can be examined according to Article 9 of Iranian Penal Code. In

1. Assistant Professor, Department of Law, Shahrekord University, Shahrekord, Iran (Corresponding Author). ashouri.mehdi@sku.ac.ir

2. Master of Private Law, Qom University, Qom, Iran. barchakhmasoud@gmail.com.

* Ashouri, M., & Barchakh, M. (1400 AP). Civil Liability Resulting from Reluctance Based on the Perspective of Iranian Jurisprudence and Law: With Emphasis on Civil Law and Civil Liability Law. *Journal of Fiqh*, 28(108), pp. 168-195. Doi: 10.22081 / jf.2021.59364.2173.

Copyright © 2021, Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

each of the above cases, the question under consideration is "what is the effect of reluctance on the civil liability of Mukrah and Mukrih." The answers to these questions are not the same in all of the above cases. In most cases, reluctance excludes civil liability, but in some cases, it does not exclude him of his liability. In this study, the answers to the mentioned questions have been examined according to Imamiyah jurisprudence, public and Iranian law (with emphasis on Iranian Penal Code and Direct Taxes Code).

Keywords

Reluctance, Mukrih, Mukrah, guarantee, civil liability.



مقاله پژوهشی

مسئولیت مدنی ناشی از اکراه از دیدگاه فقه و حقوق ایران: با تأکید بر قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی

مسعود برجخ^۲

مهدی عاشوری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۴

چکیده

خسارت ناروای وارد به دیگری که ضمان آور است، اگر ناشی از اکراه باشد، گاه متوجه مکره، گاه متوجه اشخاص ثالث و به ندرت متوجه خود مکره است. خسارت ناشی از اکراه در برخی موارد ناشی از جرم اکراهی و گاهی نیز ناشی از غیر جرم است. به علاوه اکراه ممکن است ناظر به اتلاف یا تسبیب در ازین بردن و یا معیوب یا ناقص کردن مال دیگری (اعم از مال مضمون و مال غیر مضمون) باشد. همچنین ممکن است شخصی دیگری را اکراه به غصب مال غیر نماید، بدون اینکه اکراه ناظر به اتلاف یا معیوب یا ناقص کردن آن مال باشد و نیز ممکن است اکراه به انجام عمل حقوقی باشد. همچنین اکراه به ورود خسارت مادی و معنوی در زناي اکراهی با توجه به ماده ۹ ق.م.م قابل بررسی است. در هر یک از موارد فوق سؤال موردبررسی این است که تأثیر اکراه در مسئولیت مدنی مکره و مکره چگونه است. پاسخ به این سؤالات در همه موارد فوق یکسان نیست؛ در غالب موارد، اکراه رافع مسئولیت مدنی مکره است، اما در برخی موارد نیز رافع مسئولیت او نیست. در این تحقیق پاسخ به سؤالات مذکور با توجه به فقه امامیه، عامه و حقوق ایران (با تأکید بر ق.م.م و ق.م.م) موردبررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها

اکراه، مکره، مکره، ضمان، مسئولیت مدنی.

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول).
ashouri.mehdi@sku.ac.ir

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه قم، قم، ایران.
barchakhmasoud@gmail.com

* عاشوری، مهدی؛ برجخ، مسعود. (۱۴۰۰). مسئولیت مدنی ناشی از اکراه از دیدگاه فقه و حقوق ایران: با تأکید بر قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه، ۲۸(۱۰۸)، صص ۱۶۸-۱۹۵.

Doi: 10.22081/jf.2021.59364.2173

مقدمه

اکراه بیم‌دادن کسی را به جان یا مال یا آبروی او یا کسان نزدیک او است، تا قهراً (با غلبه مکره بر مکروه) فعل یا ترک فعلی را که خوشایند او نیست و از آن کراهت دارد مرتکب شود؛ اعم از اینکه مکره قلباً از آن کار خرسند باشد یا نباشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ص ۳۵۱؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۳۱۱؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، صص ۸۳ و ۱۰۸). برخی (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص ۴۹۵، ش ۲۵۳) در تعریف اکراه آن را مختص اعمال حقوقی دانسته است؛ در حالی که قلمرو اکراه شامل جرائم و وقایع حقوقی نیز می‌شود.

دو ضرر در هر اکراه متصور است: نخست، ضرر موعود به مکره؛ دوم، ضرری که از فعل مکره بر اثر اکراه ممکن است صادر گردد، به خودش یا به ثالث. ممکن است ضرر اولی اخف از ضرر دومی باشد و یا بالعکس. در باب اکراه رعایت اخف و اشد مذکور نمی‌شود؛ زیرا به موجب نصوص اکراه، اکراه رافع حرمت است (جز در مورد قتل) بدون لحاظ اشد و اخف (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ص ۳۵۲).

هر دو نوع ضرر مذکور ممکن است ناشی از اکراه به جرم باشد، یا اکراه به غیر جرم. در اکراه به ارتکاب جرم اعم از جرائم علیه تمامیت جسمانی و جرائم علیه اموال، معمولاً خسارت، به مجنی علیه (ثالث) وارد می‌شود. اما گاهی نیز خسارت به خود مکره وارد می‌شود و در واقع زیان‌دیده و مجنی علیه خود مکره است، مانند زنای اکراهی. البته در خسارت علیه تمامیت جسمانی، خسارات در قالب دیه و خسارت معنوی قابل طرح و بررسی است. در خسارات ناشی از اکراه در غیر جرائم نیز می‌توان به اکراه به اتلاف یا ناقص یا معیوب کردن مال دیگری، اکراه به تسبیب در تلف یا ناقص یا معیوب کردن مال دیگری، اکراه به غضب کردن مال دیگری، اکراه شدن غاصب به اتلاف یا تسبیب در تلف یا ناقص یا معیوب کردن مال مغضوب و همچنین اکراه به انجام عمل حقوقی اشاره کرد. در این گونه موارد خسارت وارده به مالک مال مورد اتلاف و نیز خسارت ناشی از انجام عمل حقوقی اکراهی که متوجه مالک (مکره) و یا فضول (مکره) می‌شود، موجد مسئولیت مدنی می‌گردد، اما اینکه این مسئولیت بر عهده چه کسی است، در این مقاله به بررسی تفصیلی آن پرداخته شده است.

در پژوهش حاضر سعی شده خلأی که در تألیفات دیگر وجود داشته و به آن نپرداخته‌اند پر شود و مطالب به صورت منظم و دسته‌بندی شده با ذکر آراء مختلف فقهای امامیه و عامه و حقوق دانان آورده شود و مورد نقد و بررسی قرار گیرد. البته تحقیقاتی که به صورت مقاله و پایان‌نامه در خصوص اکراه وجود دارد، همگی یا مربوط به مفهوم اکراه و یا مربوط به نقش اکراه در مسئولیت کیفری و یا مربوط به اثر اکراه در صحت معاملات است و همین امر اهمیت تحقیق حاضر را از جهت نوبودن و مورد نیاز بودن می‌رساند. ضمناً در قسمت نتیجه، مواد قانونی پیشنهادی نگارنده به عنوان ماحصل پژوهش برای قانون‌گذار جهت اصلاح قانون ارائه شده که کاری نو است و در مقالات دیده نمی‌شود. سؤالات مهمی که در این تحقیق پاسخ به آنها ضروری است، عبارتند از اینکه: ضمان در اکراه به اتلاف و یا تسبیب در مال مضمون و غیر مضمون به چه صورت است؟ آیا اکراه در غصب مانع صدق عنوان غصب است؟ در صورت صدق عنوان غصب مسئولیت مدنی ناشی از آن چگونه است؟ مسئولیت مدنی ناشی از اکراه به انجام عمل حقوقی چگونه است؟ حکم جبران خسارت مادی و معنوی ناشی از زنای اکراهی چیست؟

۱. مسئولیت مدنی در اکراه موجب خسارت وارد به اموال

در این قسمت به مسئولیت مدنی ناشی از اکراه به اتلاف مال دیگری می‌پردازیم. مال غیر که موضوع اکراه به اتلاف قرار می‌گیرد، ممکن است در ید مکروه امانت باشد، یا اینکه مکروه اصلاً وضع ید بر مال مذکور نداشته باشد و نیز ممکن است مکروه، غاصب و یا شبه‌غاصب باشد و مال در ید مکروه، مضمون باشد.

۱-۱. مسئولیت مدنی در اکراه به اتلاف مال غیر مضمون

اگر کسی شخصی را اکراه به اتلاف مال متعلق به دیگری کند که یا در ید مکروه نیست و یا اینکه در دست مکروه امانت است، درباره اینکه ضمان بر عهده مکروه است یا مکروه، در فقه محل اختلاف نظر است.

۱-۱-۱. دیدگاه فقهای امامیه

الف. قول مشهور فقهای امامیه بیانگر ضمان مکروه است؛ زیرا در این حالت سبب (مکروه) اقوی از مباشر (مکروه) است (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ص ۱۰؛ تبریزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۶۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۱۶۵؛ موحدی لنگرانی، ۱۴۲۹ق، صص ۱۶۴-۱۶۵). صاحب عناوین در تعلیل قول مشهور می گوید که شاید برداشت عرفی مشهور فقها از مسئله این بوده که عرفاً مکروه را مانند وسیله ای در دست مکروه می دانند (مراغی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۳۷). میرزا حبیب الله رشتی در کتاب الغصب در خصوص عدم ضمان مکروه در این حالت چهار دلیل ذکر کرده است: نخست اینکه تلف عرفاً به مکروه منتسب است، نه به مکروه. منظور ایشان این است که در این صورت رابطه سببیت عرفی بین فعل مکروه و تلف برقرار می شود، نه بین فعل مکروه و تلف. به عبارت دیگر اکراه رابطه سببیت بین فعل مکروه و تلف را قطع می کند. دوم اینکه قاعده احسان شامل مکروه می شود؛ زیرا قاعده احسان شامل هرگونه فعلی می شود که شرعاً و عرفاً مجاز باشد، هرچند نسبت به غیر احسان نباشد. به عبارت دیگر هنگامی که مکروه برای دفع ضرر از نفس یا مال خود مرتکب اتلاف مال دیگری می شود، امر خوب و نیکویی است.^۱ دلیل سوم این است که حکمت اذن شرعی به امری منافات با ضمان دارد. بدین توضیح که هرچند ملازمه دائمی یا همیشگی بین اذن شرعی و عدم ضمان وجود ندارد، اما معمولاً این ملازمه برقرار است. در مانحن فیه نیز اذن به اتلاف مال دیگری به موجب اکراه برای دفع ضرر از مکروه مستلزم عدم ضمان مکروه است. دلیل چهارم استناد به حدیث رفع است (رشتی، بی تا، صص ۳۷-۳۸)؛ یعنی حدیث رفع رافع حکم وضعی (ضمان) و در بیشتر موارد رافع حکم تکلیفی (حرمت) است (موحدی لنگرانی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۶۶).

در بررسی استدلال های فوق مطالب زیر قابل ذکر است: اولاً در انتقاد از نحوه استدلال مرحوم میرزا حبیب الله رشتی که اذن شرعی را به عنوان دلیل سوم قبل از استناد

۱. به عبارت دیگر میرزا حبیب الله رشتی قاعده احسان را با تفسیر موسع به معنای «احسان به غیر» و «احسان به خود» معنی کرده است.

به حدیث رفع آورده است، می‌توان گفت که از لحاظ رتبی باید اذن شرعی را به‌عنوان آخرین دلیل بیان نمود؛ زیرا بعد از قائل شدن به اینکه عرف مکروه را مسئول می‌داند و قاعده احسان شامل حال مکروه می‌شود و حدیث رفع نیز مسئولیت را از عهده مکروه برمی‌دارد، در این صورت است که شرع به مکروه اذن در تلف مال غیر می‌دهد. ثانیاً در خصوص رافع مسئولیت بودن یا نبودن اذن شرعی بین فقها اختلاف نظر است. توضیح اینکه در فقه قاعده‌ای با عنوان «الجواز الشرعی ینافی الضمان» وجود دارد که بر اساس آن هرگاه ارتکاب فعل زیان‌باری شرعاً مجاز باشد موجب مسئولیت مدنی و کیفری نخواهد بود. البته این قاعده مورد قبول همه فقها نیست، بلکه برخی تنافی بین جواز شرعی و ضمان را قبول نداشته و قاعده مذکور را به‌صورت «الجواز الشرعی لا ینافی الضمان» بیان می‌کنند (برای مطالعه در این موضوع ر.ک: رضوانی مفرد، احمد؛ سبحانی، نبی. ۱۳۹۹). بررسی قاعده «الجواز الشرعی ینافی الضمان» با رویکردی بر آرای امام خمینی. نشریه پژوهشنامه متین، زمستان ۱۳۹۹، (۸۷)، صص ۷۵-۸۷.

در حقوق ما می‌توان هم کاربرد قاعده «الجواز الشرعی ینافی الضمان» را دید و هم کاربرد عکس این قاعده را. البته اذن شرعی مذکور در این قاعده را هنگام اجرا در عالم حقوق باید با اذن قانونی یکسان دانست. از موارد کاربرد این قاعده می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: در قانون مدنی مواد متعددی در این خصوص قابل استنادند؛ از جمله می‌توان به ماده ۱۳۲ ق.م در روابط همسایگان اشاره نمود که تصرفات زیان‌بار مالک درباره همسایه در صورتی که برای دفع ضرر از خود باشد، طبق اصل تسلیط، قانوناً مجاز و بدون مسئولیت دانسته شده است (جواز قانونی تصرفات مذکور منافی ضمان است). همچنین در ماده ۱۰۳۵ ق.م به هر یک از نامزدها اجازه برهم‌زدن نامزدی داده شده، بدون اینکه صرف برهم‌زدن نامزدی ضمان آور باشد. به‌علاوه عدم ضمان ناشی از فسخ به‌موجب خیارات حیوان و مجلس با قاعده فوق قابل توجیه است. البته باید توجه داشت که در حقوق ما اجرای قاعده مورد بحث را باید با رعایت اصل ۴۰ قانون اساسی (ممنوعیت سوءاستفاده از حق) به کار برد.

اما در خصوص کاربرد عکس قاعده (الجواز الشرعی لا ینافی الضمان) می‌توان به

ماده ۴۹۵ ق.م.ا^۱ اشاره کرد که جواز طبابت و انجام عمل جراحی را دارای منافات با ضمان ندانسته و در این ماده برای پزشک مسئولیت مبتنی بر تقصیر مفروض قائل شده است. بنابراین در قوانین ما حسب مورد گاهی اصل قاعده مذکور و گاهی عکس آن اعمال شده است.

ب. اما قول غیرمشهور دلالت بر مسئولیت مکره دارد (مراغی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۳۷)؛ زیرا مکره در اتلاف مال دیگری قاصد است؛ همان‌طور که در انجام معامله اکراهی قاصد است و لذا از این جهت فرقی بین اکراه به انجام عمل حقوقی و اکراه به عمل غیرحقوقی مانند اتلاف وجود ندارد. به عبارت دیگر اکراه سالب قصد نیست و اکراه‌شونده، چه در معامله و چه در فعل غیرحقوقی، قصد انجام عمل را دارد. به همین دلیل ضمان تلف بر عهده مکره است که مال را تلف کرده است. نهایت چیزی که می‌توان گفت این است که در این حالت فعل مکره در اتلاف مال غیر که به دلیل جلوگیری از ورود ضرر به خود صورت گرفته، از مصادیق تزامم دو ضرر و مقتضای اضطرار است، لذا مشمول حکم تکلیفی حرمت نبوده، اما مشمول حکم وضعی ضمان است. بنابراین ضمان مکره را نمی‌توان با استفاده از حدیث رفع نفی نمود؛ زیرا حدیث مذکور حکمی را رفع می‌نماید که رفع آن حکم مقتضای امتنان بر امت است؛ در حالی که در اتلاف اکراهی اگر ضمان مکره را با حدیث رفع سلب کنیم، خلاف امتنان بر مالکی است که مالش مورد اتلاف واقع شده و این به معنای هدر دادن مال مالک است (تبریزی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، صص ۴۸۱-۴۸۲). بنابراین مکره در مقابل مالک مسئولیت مدنی برای جبران خسارت دارد و بعد از جبران خسارت حق مراجعه به مکره را از باب تسبیب خواهد داشت (تبریزی، ۱۴۲۶ق، ص ۵۱). اما شیخ انصاری با استدلالی متفاوت، قاعده امتنان را شامل حال اکراه‌شونده می‌داند. ایشان با استناد به حدیث رفع و قاعده امتنان، مطابق قول مشهور، مکره را در مانحن‌فیه معاف از مسئولیت می‌داند و معتقد است حدیث رفع شامل مواردی می‌شود که مشمول قاعده امتنان باشد و در غیر این صورت حدیث رفع شامل

۱. قانون مجازات اسلامی.

حال آنها نمی‌شود. از بین دو مورد اضرار به دیگری برای دفع ضرر از خود بدون اینکه اکراهی وجود داشته باشد، و اضرار به دیگری برای دفع ضرر از خود در اثر اکراه، فقط مورد اخیر مشمول قاعده امتنان و متعاقباً مشمول حدیث رفع می‌شود (طبق قاعده امتنان و حدیث رفع بر مکره واجب نیست که برای جلوگیری از ورود ضرر به غیر، خودش متحمل ضرر شود)؛ چون در اتلاف مال دیگری ناشی از اکراه، ورود ضرر به غیر، از همان ابتدا ناشی از خواست و اراده مکره بوده است نه خواست مکره، و لذا مکره ضامن اتلاف است (انصاری، ۱۴۲۸ق، صص ۳۵-۳۶). در واقع تعلیل شیخ انصاری به این معنی است که چون ورود ضرر، به غیر از همان ابتدا، تا انتها خواست و اراده مکره بوده و اراده بعدی مکره در انجام عمل که برای دفع کره صورت گرفته اراده آزاد نبوده است، لذا مکره سبب اقوی از مباشر بوده و رابطه سببیت عرفی بین فعل اکراه‌کننده و ضرر برقرار می‌شود، نه بین فعل اکراه‌شونده و ضرر.

در حقوق ما به نظر می‌رسد که با توجه به ظاهر قانون مدنی، قول غیر مشهور بیشتر از قول مشهور قابل دفاع باشد؛ زیرا اولاً برای اثبات مسئولیت مکره‌ای که مال غیر را تلف نموده، می‌توان به ماده ۳۲۸ ق.م.استناد نمود که در اتلاف تقصیر و عدم تقصیر و عمد و غیرعمد را شرط نمی‌داند. ثانیاً با توجه به اینکه در قوانین به جواز اتلاف مال غیر در مورد فوق اشاره‌ای نشده (جواز قانونی منتفی است)، لذا قاعده «الجواز الشرعی ینافی الضمان» شامل این مورد نمی‌شود. بنابراین مکره در مقابل مالک مسئول بوده، ولی بعداً حق رجوع به مکره را خواهد داشت.

ج. صاحب عناوین با تفکیک بین اکراهی که قصد و اختیار را کاملاً زائل می‌کند و اکراهی که این‌گونه نباشد، معتقد است که اگر اکراه به حد سلب شعور و اختیار برسد، رافع ضمان مکره است، اما اگر اکراه به این حد نرسد، اتلاف بر فعل مباشر (مکره) صادق است؛ در این صورت ضمان بر عهده او قرار می‌گیرد. سپس ایشان در تأیید قول مشهور با تردید بیان می‌کند که بعید هم نیست گفته شود اتلاف بر فعل مکره صدق نمی‌کند (مراغی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۳۷).

د. شهید ثانی در کتاب مسالک قولی را نقل کرده مبنی بر اینکه برخی معتقدند در

صورتی مکزه مسئول اتلاف ناشی از اکراه نیست که تحمل اکراه ممکن نباشد و ضرری که مکزه از آن می‌ترسد بیشتر از ضرر ناشی از اتلاف مال غیر باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۱۶۵)، اما مشهور فقها در اکراه رافع ضمان چنین مقایسه‌ای بین ضرر ناشی از اتلاف مال غیر و ضرر موعود ناشی از اکراه قائل نیستند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۵۷).

ه. قول ضعیفی هم در فقه وجود دارد مبنی بر اینکه در صورتی که نفع اتلاف به مباشر (مکزه) برسد، فقط مکزه در مقابل مالک مسئول است، اما در غیر این صورت مکزه مسئول است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۵۸). این نظر در میان فقها و نویسندگان حقوقی مورد پذیرش واقع نشده است.

۱-۲. دیدگاه فقهای عامه

اگر شخصی دیگری را بر اتلاف مال غیر اکراه کند فقهای عامه اتفاق نظر در خصوص ضمان مکزه و مکزه ندارند، اگر اکراه تام^۱ باشد چندین نظر به شرح زیر وجود دارد:

الف. دیدگاه حنفیه و حنابله و بعضی از شافعیه: ضمان بر عهده مکزه است، زیرا مکزه مسلوب الاراده بوده و به‌عنوان وسیله‌ای در دست مکزه است و ضمان بر عهده وسیله قرار نمی‌گیرد و اکراه کننده سبب جوهری ضرر محسوب می‌شود (الزحیلی، ۱۴۰۲ق، ص ۷۳؛ ابن عابدین، ۱۴۲۳ق، ص ۱۸۷).

ب. دیدگاه برخی از مالکیه و ظاهریه و برخی از شافعیه: ضمان بر عهده مکزه است، زیرا مباشر ورود ضرر است و در صورت اجتماع سبب و مباشر، همواره نقش مباشر بر سبب غالب است؛ مانند اینکه کسی چاهی بکند برای اینکه انسانی در آن بیفتد و شخص سومی فرد مورد نظر را در چاه بیندازد؛ این شخص مباشر است و حفر کننده چاه سبب است، و مباشر مسئول است؛ زیرا شارع در مقام تعارض همواره امری را که مرجح است

۱. اکراه در منابع فقهی به‌اعتبار وجود یا عدم وجود اجبار و یا به‌اعتبار شدت اجبار، به اکراه تام (ملجی) و اکراه ناقص (غیرملجی) تقسیم شده است.

برمی‌گزینند، مگر اینکه نقش مباشر ضعیف‌تر از سبب باشد؛ مانند اکراه در قتل که بنا بر نظر مالکیه قصاص علیه هر دو ثابت می‌شود. (الزحلی، ۱۴۰۲ق، ص ۷۳؛ الدسوقی، بی‌تا، صص ۴۴۳-۴۴۴).

ج. قول ارجح شافعیه: مکره و مکره به‌طور تضامنی مسئول‌اند؛ زیرا اتلاف حقیقتاً از سوی مکره صورت گرفته و مکره نیز سبب است و در اینجا سبب و مباشر مساوی هستند، اما مسئولیت نهایی بر عهده اکراه‌کننده است. این نظر با توجه به مسئولیت نهایی مانند نظر گروه اول است (الزحلی، ۱۴۰۲ق، ص ۷۳؛ سیوطی، ۲۰۱۰م، ص ۳۰۵).

اما اگر اکراه ناقص باشد، بنا به عقیده حنفیه و مالکیه و ظاهریه و بعضی از شافعیه و برخی از حنابله، ضمان بر عهده اکراه‌شونده است؛ زیرا اکراه ناقص رافع اختیار نیست، پس مکره به‌عنوان وسیله‌ای در دست مکره محسوب نمی‌شود. بنابراین اتلاف مستند به مکره بوده و ضمان بر عهده او است (الزحلی، ۱۴۰۲ق، صص ۷۳-۷۴).

۲. مسئولیت مدنی در اکراه به غضب

اگر شخصی دیگری را فقط اکراه به غضب کند، بدون اینکه اکراه به اتلاف یا ناقص یا معیوب شدن مال مغضوب نماید و مال در دست مکره تلف یا ناقص یا معیوب شود، در خصوص مسئولیت مدنی مکره و مکره سؤالاتی چند مطرح می‌شود: آیا اکراه در غضب مانع صدق عنوان غضب است یا خیر؟ در اکراه به غضب آیا درباره مکره غضب تحقق می‌یابد، یا درباره مکره یا درباره هیچ‌کدام؟ آیا ید مکره درباره مال مذکور ضمانی است یا غیرضمانی؟

۲-۱. مانعیت یا عدم مانعیت اکراه به غضب در صدق عنوان غضب

درباره تأثیر اکراه در تحقق عناوین مدنی و غضب، دکتر جعفری لنگرودی مقرر می‌دارد: «فقها در این مسئله اختلاف دارند. برخی اکراه را مانع تحقق عقد می‌دانند و اکراه از نظر آنان موجب بطلان عقد است... ولی غالب فقها وجود اکراه را مانع صدق عقد نمی‌دانند و بالتبع نباید وجود اکراه را مانع صدق عناوین کیفری (از جمله غضب)

بدانند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۹، صص ۶۵-۶۶). در مواد ۲۰۳، ۲۰۹، ۷۶۳ و ۱۰۷۰ قانون مدنی ما، قانون گذار اکراه را مانع صدق و تحقق عقد ندانسته و عقد اکراهی نیز عقد دانسته شده است، اما عقد غیر نافذ. درباره غصب نیز به نظر می‌رسد که اکراه در غصب مانع تحقق عنوان غصب نیست. به عقیده دکتر جعفری لنگرودی، قانون مدنی در این باره ساکت است. قول مشهور در فقه این است که در این مورد مکروه غاصب است و مسئولیت کیفری و مدنی متوجه او است و شدت و ضعف اکراه تأثیری در این مسئله ندارد. بعضی معتقدند که اگر اکراه به سرحد اجبار برسد، اکراه کننده غاصب است، و گرنه اکراه شونده غاصب است (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۰، صص ۶۶-۶۷).

۲-۲. مسئولیت مدنی مکروه و مکروه در اکراه به غصب

در خصوص مسئولیت مکروه و مکروه در خسارات ناشی از اکراه به غصب در مقابل مالک مال مغضوب چند نظر در فقه وجود دارد:

الف. مکروه غاصب محسوب می‌شود و ضمان بر عهده مکروه غاصب است؛ لیکن او بعد از دادن خسارت می‌تواند به مکروه مراجعه کند و هرچه خسارت داده، از او بگیرد. یعنی ضمان نهایی بر عهده مکروه است (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۹، ص ۶۶)؛ در واقع معنای این نظر چنین است که استیلا بر مال غیر به نحو عدوان و یا اثبات ید بر مال غیر بدون اذن مالک، چه با اختیار و اراده باشد و چه از روی اکراه، در هر دو حالت مشمول عنوان غصب و یا شبه غصب بوده و متصرف (مکروه یا غیر مکروه) مسئول جبران خسارت مالک است؛ به عبارت دیگر، اختیار و عدم اختیار در تصرف مال غیر تأثیری در صدق عنوان غصب و شبه غصب ندارد. بنابراین چون رابطه‌ای بین مالک و مکروه وجود ندارد، مالک حق مراجعه به مکروه را ندارد. اما در رابطه بین مکروه و مکروه چون مکروه سبب اقوی از مباشر محسوب می‌شود، لذا مکروه بعد از جبران خسارت مالک حق مراجعه به مکروه را دارد.

ب. مکروه ضامن نیست و اکراه کننده شخصاً در مقابل مالک مسئول است. اکثر طرف دار این قول‌اند. دکتر جعفری لنگرودی در تأیید این نظر که در سال ۱۳۴۹ ذکر

کرده است، به ماده ۴۱ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ استناد کرده^۱ و مقرر نموده که این ماده در مسئولیت کیفری علی‌الاصول نفی مسئولیت از مکره می‌کند؛ زیرا مطابق این ماده در صورت وقوع اجبار (که اعلی‌درجه اکراه است) جرم محقق می‌شود، ولی مکره مجازات نمی‌شود. اما اطلاق ماده ۳۱۱ ق.م.مستلزم ضمان مکره است، لیکن عمل به اطلاق ماده، نوعی استدلال لفظی است و اصل براءت هم به نفع غاصب مذکور جاری است. به علاوه از نظر قانون مدنی ما که رویه غالب مقنن پیروی از قول مشهور است، باید در باب مسئولیت مدنی غاصب بگوییم که مسئولیت از همان ابتدا متوجه کسی است که دیگری را اکراه به تصرف در مال غیر کرده است. همچنین ایشان برای تأیید نظر خود به عرف نیز استناد کرده‌اند و معتقدند که تفاهم عرف هم اکراه را مانع صدق عناوین مدنی و کیفری نمی‌داند (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۹، ص ۶۷؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۵۰، صص ۶۶-۶۸). دکتر کاتوزیان نیز در تأیید قول به عدم مسئولیت مکره چنین بیان کرده است: «ضمان شدید و گسترده غاصب نوعی واکنش حقوقی در برابر عدوان و تجاوز به حقوق دیگران است که درباره مکره صدق نمی‌کند. وانگهی در واقع اکراه‌کننده است که با فشار مادی یا معنوی بر مکره او را وسیله استیلای عدوانی خود بر مال دیگری ساخته است. پس اکراه‌کننده را باید غاصب شناخت و از مباشر ناتوان درگذشت. با وجود این، تکلیف به بازگرداندن عین بر عهده مکره است که در نخستین لحظه زوال اکراه باید به آن اقدام کند» (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۲۸۰، ش ۵۲۹)، زیرا ید مکره بر مال غیر تا بقای کره، ید امانی قانونی است، لذا پس از زوال کره در اولین فرصت عرفی ممکن باید مال را به مالکش مسترد کند، و در غیر این صورت ید وی تبدیل به ضمانی خواهد شد.

۱. ماده ۴۱ ق.م.ع. ۱۳۰۴ شمسی: «هر کسی که به موجب ضرورت برای دفاع و حفظ نفس یا ناموس خود مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد (رجوع به فصل اول از باب سوم این قانون) و همچنین است کسی که به واسطه اجبار بر خلاف میل خود مجبور به ارتکاب جرم گردیده و احتراز از آن هم ممکن نبوده است، مگر در مورد قتل که مجازات مرتکب تا سه درجه تخفیف خواهد شد». معادل فعلی این ماده در خصوص اجبار را در ق.م.ا. ۱۳۹۲ می‌توان ماده ۱۵۱ دانست که در آن به جای «اجبار» عبارت «اکراه غیر قابل تحمل» به کار رفته است.

ج. نظر نگارنده: به نظر می‌رسد برای تعیین مسئولیت مکره و مکره در مانحن فیه باید قائل به تفصیل شد و بین خسارات ناشی از مباشرت مکره و خسارات ناشی از تسبیب وی باید فرق گذاشت؛ بدین توضیح که در اکراه به غصب و در زمان بقای کره اگر مکره مال مغضوب را مباشرتاً تلف یا ناقص یا معیوب کرده و یا منافع مال را استیفا کرده باشد، نظر به اینکه طبق ماده ۳۲۸ ق.م در اتلاف یا ناقص یا معیوب کردن، عمد و غیر عمد و نیز تقصیر و غیر تقصیر شرط نیست و با توجه به اینکه در فرض مسئله اکراه بر اتلاف صورت نگرفته، بلکه صرفاً اکراه بر غصب صورت گرفته است، لذا در این صورت فقط مکره در مقابل مالک مسئول است. ولی بعد از جبران خسارت مالک حق مراجعه به مکره را از باب سبب اقوی از مباشر (که در رابطه بین این دو لحاظ می‌شود) دارد. اما اگر خسارت وارده به مالک توسط مکره و در زمان بقای کره، به مباشرت نباشد، بلکه به تسبیب باشد (تلف یا ناقص یا معیوب شدن ناشی از تسبیب و یا خسارت ادعایی مالک، عدم النفع باشد - بر فرض قابل مطالبه بودن عدم النفع-)، در این صورت نیز دو فرض قابل تصور است: اگر خسارت ناشی از تسبیب همراه با تقصیر مکره باشد، فقط مکره به عنوان سبب اقوی از مکره مسئول است، اما اگر خسارت ناشی از تسبیب بدون تقصیر رخ داده باشد، چون در تسبیب تقصیر شرط است و صرف غصب اکراهی عرفاً تقصیری برای مکره محسوب نمی‌شود بلکه تقصیر قابل انتساب به مکره است، لذا مکره در مقابل مالک سبب اقوی از مباشر محسوب می‌شود و مسئول است. البته آنچه که گفته شد، مربوط به مواردی است که خسارت وارد بر مال مغضوب در زمان بقای کره واقع شده باشد، اما اگر خسارت پس از زوال کره رخ داده باشد، با توجه به اینکه مکره بعد از زوال کره وظیفه داشت در اولین فرصت عرفی ممکن مال را به مالکش رد کند، در صورت عدم رد مال، ید وی تبدیل به ید ضمانی شده و فقط خود او مسئول خساراتی است که مباشرتاً یا به تسبیب بر مال مغضوب وارد شده است.

۲-۳. مسئولیت مدنی در اکراه غاصب به اتلاف مال مغضوب

اگر کسی بدون اکراه بر مال متعلق به غیر تصرف غاصبانه یا شبه غاصبانه نماید و بعد

از حدوث ید ضمانی، فردی غاصب و یا شبه‌غاصب را به اتلاف مال مغضوب یا شبه‌مغضوب اکراه کند، در خصوص مسئولیت مکره و مکره چند نظر وجود دارد:

الف. ضمان تلف بر عهده مکره و مکره به صورت تضامنی است و مالک به هر کدام که بخواهد می‌تواند رجوع کند. اگر مالک به مکره رجوع کرد، مکره حق مراجعه به مکره را ندارد؛ بر خلاف عکس آن (موحدی لنگرانی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۶۶). علت مسئولیت مکره این است که ید مکره قبل از اکراه به دلیل غضب ضمانی بوده و اکراه ید ضمانی او را ساقط نمی‌کند و اگرچه مکره سبب اقوی از مباشر محسوب می‌شود، اما مسئولیت مکره در اینجا به دلیل ید ضمانی سابق او است، نه به دلیل قوت مباشرت. به همین دلیل مکره بعد از جبران خسارت مالک حق مراجعه به مکره را دارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۵۹).

ب. ضمان تلف فقط بر عهده مکره است، زیرا وی غاصب بوده و ید او همچنان ضمانی است. البته در صورت مراجعه مالک به مکره غاصب، مکره بعداً حق مراجعه به مکره را برای دریافت غرامت دارد (بهرامی، ۱۳۹۳، ص ۲۸۴).

از بین دو نظر فوق، نظر اول قوی‌تر و قابل قبول است؛ زیرا همان‌طور که در این تحقیق در بحث «ضمان مدنی در اکراه به اتلاف مال غیرمضمون» گفتیم که قول مشهور قائل به ضمان مکره است نه مکره، و با توجه به اینکه عمل مکره در اکراه به اتلاف مال مضمون و مال غیرمضمون ماهیتاً تفاوتی ندارد و در هر دو مورد سبب اقوی از مباشر محسوب می‌شود، لذا در هر دو مورد مکره را باید مسئول دانست. تفاوت این دو مورد فقط در مسئولیت و عدم مسئولیت مکره است. درباره اکراه به اتلاف مال غیرمضمون، چون عمل مکره رابطه سببیت بین فعل مباشر (مکره) و تلف را قطع می‌کند، مکره مسئول نیست، اما در اکراه به اتلاف مال مضمون که غاصبی و ادار به تلف مال غیر می‌شود، چون در اثر غضب سابق بر اکراه ید ضمانی مکره تحقق یافته و غاصب مسئولیت مطلق دارد، لذا هیچ عاملی جز رد مال به صاحبش ید ضمانی او را از بین نمی‌برد؛ به همین دلیل مسئولیت مکره مانع از مسئولیت مکره در کنار او نیست.

۳. مسئولیت مدنی در اکراه به انجام عمل حقوقی

هنگامی که شخصی اکراه به انجام عمل حقوقی می‌شود، دو حالت متصور است: نخست اینکه مکروه مالک مال مورد معامله باشد، دوم اینکه مکروه فصول باشد؛ در هر دو حالت مذکور ممکن است مالک معامله را تنفیذ کند یا تنفیذ نکند.

در باره فرض اول که مکروه مالک مال مورد معامله است، در صورتی که معامله را تنفیذ نکنند و از اکراه ضرری متوجه او شود، مکروه از باب تسبیب، مسئول جبران خسارت وارد بر او است، اما اگر مالک (مکروه) معامله را تنفیذ کند و در اثر اکراه ضرری بر او وارد شده باشد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا تنفیذ معامله اکراهی به معنای ابرای مکروه از مسئولیت مدنی است یا چنین ملازمه‌ای وجود ندارد. در پاسخ می‌توان گفت با توجه به اینکه ممکن است مالک برای جلوگیری از ضرر بیشتر اقدام به تنفیذ معامله کرده باشد، لذا تنفیذ معامله الزاماً به معنای ابرای مذکور نیست و با توجه به اصل عدم ابرا و استصحاب حق مطالبه خسارتی که قبل از تنفیذ وجود داشت، دلیلی بر ابرای یاد شده وجود ندارد و اثبات ابرا بر عهده مکروه است.

اما در باره فرض دوم که مکروه در انجام عمل حقوقی فصول است: الف. اگر فصول مکروه، مال مورد معامله را به تصرف طرف معامله داده باشد، احکام غصب بر او بار می‌شود و در صورتی که مالک معامله را تنفیذ نکند، تابع همان نظریاتی خواهد بود که در مباحث قبل ذیل تیترا «مسئولیت مدنی مکروه و مکروه در اکراه به غصب» بیان شد. اما اگر مالک معامله را تنفیذ کند، باز هم سؤال سابق مطرح می‌شود که آیا تنفیذ معامله اکراهی به معنای ابرای مکروه فصول و مکروه از مسئولیت مدنی است یا چنین ملازمه‌ای وجود ندارد. پاسخ همان است که در فرض قبل بیان شد. ب. اگر فصول مکروه مال مورد معامله را به تصرف طرف معامله نداده و خود نیز تصرفی بر مال مذکور نداشته و از معامله مذکور خسارتی به مالک وارد شده باشد، مشمول احکام تسبیب می‌شود. به عبارت دیگر در این حالت دو فرض قابل تصور است: اگر با عدم قبول خواسته مکروه خسارتی که به مکروه فصول وارد می‌شد کمتر از خسارتی باشد که از انجام معامله فصولی به مالک وارد شده است، در این صورت مکروه فصول مقصر محسوب می‌شود و

به‌عنوان سبب اقوی از مکره در مقابل مالک مسئول است، اما اگر خسارت متصور ناشی از عدم قبول خواسته مکره بیشتر از خسارت وارده به مالک باشد، در این صورت مکره در مقابل مالک سبب اقوی از مباشر محسوب شده و مسئول است. البته به نظر می‌رسد که دکتر جعفری لنگرودی مخالف این نظر باشد. ایشان در بیان اقسام ضرر ناشی از اکراه، رعایت اشد و اخف مذکور در فوق را نمی‌پذیرند: «دو ضرر در هر اکراه متصور است: نخست، ضرر موعود به مکره؛ دوم، ضرری که از فعل مکره بر اثر اکراه ممکن است صادر گردد، به خودش یا به ثالث. ممکن است ضرر اولی اخف از ضرر دومی باشد و یا بالعکس. در باب اکراه رعایت اخف و اشد مذکور نمی‌شود؛ زیرا به موجب نصوص اکراه، اکراه رافع حرمت است (جز در مورد قتل) بدون لحاظ اشد و اخف» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ص ۳۵۲).

البته در موارد فوق در صورتی که در اثر اکراه به مکره فصول هم خسارتی وارد شده باشد، از باب تسبیب می‌تواند به مکره رجوع نموده و از او مطالبه خسارت نماید.

۴. مسئولیت مدنی در اکراه موجب خسارت وارد به جسم و روان؛ به‌طور خاص: اکراه به زنا

مسئولیت مدنی در اکراه موجب خسارت وارد بر جسم تحت‌عنوان مسئولیت مدنی ناشی از اکراه به جرم، قابل بررسی است که البته آن را باید در مقاله دیگری بررسی نمود و در این مقال نمی‌گنجد؛ لیکن با نظر به اینکه در زنا پرداخت مهرالمثل و ارش البکاره مطرح است، به گونه‌ای که مهرالمثل نقش خسارت معنوی (محمودیان اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۴۵) و ارش البکاره نقش خسارت مادی را دارد^۱ (در متن ماده ۲۳۱ ق.م.ا عبارت «علاوه بر مجازات مقرر به پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل محکوم می‌شود»، مؤید این است که مهرالمثل و ارش البکاره جدای از مجازات هستند)، همچنین با توجه به اینکه ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی به زناهای اکراهی و غیراکراهی و خسارت معنوی ناشی از آن پرداخته است، لذا در این خصوص رابطه ماده ۹ ق.م.ا با تبصره ۱ ماده ۶۵۸

۱. البته ارش طبق ماده ۴۴۹ ق.م.ا دیه غیرمقدر است.

ق.م.ا از جهت نسخ یا تخصیص قابل بررسی است؛ بنابراین در این مجال فقط به مسئولیت مدنی ناشی از اکراه به زنا می پردازیم.

ضمان ناشی از اکراه به زنا تحت سه عنوان حد شرعی، پرداخت مهرالمثل، و ارش البکاره به مکره قابل بررسی است. در کتاب های فقهی تفکیکی بین ضمان مدنی و کیفری ناشی از این اکراه به عمل نیامده و همه در یک جا مورد بررسی واقع شده است. لیکن از لحاظ حقوق موضوعه چنین تفکیکی مفید و لازم است. اگرچه ضمان به پرداخت مهرالمثل و ارش البکاره نوعی مسئولیت مدنی است، نه کیفری، زیرا به زیان دیده از جرم پرداخت می شود، نه به دولت، و زیان دیده می تواند ذمه عامل زیان را به این ضمان ابرا کند، لیکن دو ضمان مذکور در قانون مجازات اسلامی آمده است، نه در قوانین مربوط به مسئولیت مدنی؛ بنابراین علی رغم اینکه ماهیت این ضمان مسئولیت به جبران خسارت است نه مجازات، لیکن از جهت اینکه زنا جرم است، مسئولیت مدنی ناشی از آن نیز به تبع مسئولیت کیفری و به همراه آن در قانون مجازات اسلامی آمده است.

درباره مسئولیت مدنی ناشی از زنای اکراهی، فقها زانی مکره را مسئول می دانند، اما در خصوص میزان مسئولیت وی بر حسب اینکه مکره غیرباکره و یا باکره باشد، حکم مسئله متفاوت است؛ در موردی که مکره غیرباکره باشد، فقها اتفاق نظر دارند که وی فقط مستحق دریافت مهرالمثل از مکره است، اما در موردی که مکره باکره باشد، اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از فقهای امامیه معتقدند که در زنای اکراهی، مکره باکره فقط مستحق دریافت مهرالمثل از مکره است (نجفی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۱۵؛ موحدی لنگرانی، بی تا، ص ۴۳۳؛ بهجت گیلانی فومنی، ۱۴۲۶ق، صص ۵۴۳-۵۴۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۷۵؛ حلی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۹۲)، اما بیشتر فقها اعتقاد دارند که مکره علاوه بر مهرالمثل باید ارش البکاره را نیز به مکره بدهد (خراسانی، بی تا، ص ۴۵۶؛ حلی، ۱۴۲۴ق، ص ۵۹۱-۵۹۲؛ موسوی خمینی، بی تا، ص ۵۸۴؛ سیوری حلی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۰۷؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ص ۱۵۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۹۷؛ فخرالمحققین حلی، ۱۳۸۷ق، ص ۷۰۲؛ عاملی، بی تا، ص ۴۵۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ص ۲۳۶). دلیل گروه اول این است که منشأ ضمان فعل واحد است (زنای اکراهی)، لذا باید یک ضمان بر زانی مکره مستقر

شود که این ضمان (پرداخت مهرالمثل) در واقع عوض وطی (نزدیکی) نامشروع است. به نظر این گروه، مهرالمثل ارش البکاره را هم در درون خود دارد. اما گروه دوم معتقدند که مهرالمثل غیر از ارش البکاره است؛ زیرا مهرالمثل عوض وطی و تمتع جنسی نامشروع است، در حالی که ازاله بکارت جنایت دیگری غیر از وطی و تمتع است و ارش البکاره ضمان این جنایت است (سیوری حلی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۰۷؛ فخرالمحققین حلی، ۱۳۸۷ق، ص ۷۰۲؛ عاملی، بی تا، ص ۴۵۲). به عبارت دیگر وطی ملازمه‌ای با ازاله بکارت ندارد؛ زیرا گاهی ممکن است وطی صورت گیرد، بدون اینکه ازاله بکارت تحقق پذیرد. بنابراین وطی و ازاله بکارت موضوعاً و حکماً دو امر جداگانه هستند. به همین دلیل ارش البکاره داخل در مهرالمثل قرار نمی‌گیرد و جدای از آن است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ص ۲۳۶. برای مطالعه بیشتر ر.ک: محمودیان اصفهانی و المیر، ۱۳۹۲، صص ۱۱۸-۱۲۲).

در تأیید قول دوم و با در نظر گرفتن انصاف و عدالت می‌توان چنین استدلال کرد که ارش البکاره خسارت مادی ازاله بکارت است، اما مهرالمثل خسارت معنوی ناشی از زنا یا اکراهی است؛ لذا این دو با هم قابل جمع‌اند. هدف از برقراری مسئولیت مدنی داراشدن زیان‌دیده نیست، بلکه باید تا حد امکان وضعیت زیان‌دیده را به حالت قبل از وقوع زیان رساند. در مانحن‌فیه نیز واقعاً دو خسارت جداگانه به زیان‌دیده وارد شده که یکی داخل در دیگری نیست و لذا هر یک باید ضمان خاص خود را داشته باشد.

برخی نیز در کتاب خود در موردی که مکره کنیز (جاریه) و یا آزاد باشد، قائل به تفصیل شده و دو حکم متفاوت داده‌اند؛ بدین توضیح که اگر مکره کنیز و باکره باشد، مکره زانی باید ارش البکاره را به عنوان نقص قیمت کنیز به علاوه مهرالمثل او به صاحبش بدهد، زیرا زنا یا اکراهی با کنیز متعلق به غیر که باعث ازاله بکارت او شود، جنایت بر مال غیر محسوب می‌شود که باعث نقص قیمت او شده و مستلزم پرداخت ارش است، اما اگر مکره، شخص آزاد و باکره باشد، وی از مکره فقط می‌تواند مهرالمثل را مطالبه کند، نه ارش البکاره را؛ زیرا این دو با هم قابل جمع نیستند (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، صص ۴۴۹-۴۵۰).

در انتقاد از این نظر که ضمان ازاله بکارت در کنیز و غیرکنیز را تابع دو حکم

متفاوت دانسته، می‌توان گفت هرچند برابر دانستن کنیز با مال قابل قبول نیست، اما فارغ از این امر، اولاً ازاله بکارت چه در کنیز و چه در شخص آزاد ماهیتاً یکسان است و باید تابع یک حکم باشد، ثانیاً درباره کنیز که ملک دیگری فرض شده، برای مالک وی حق مطالبه ارش البکاره علاوه بر مهرالمثل قائل شده‌اند؛ حال چگونه است که در مورد شخص آزاد که مالک خودش است حق مطالبه ارش البکاره وجود نداشته باشد؟ در این مورد باید به طریق اولی قائل به چنین مطالبه‌ای شد. بنابراین تفکیک مذکور مورد قبول نیست و حق با کسانی است که ضمان ازاله بکارت با زنا یا اکراهی را حق مطالبه مهرالمثل و ارش البکاره می‌دانند. در قانون مجازات اسلامی قانون‌گذار در ماده ۲۳۱ با تبعیت از قول اکثر فقهای امامیه حکمی مطابق با حق و انصاف و عدالت داده است.

حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که اگر مکروه غیر از زانی باشد، به عبارت دیگر شخصی مرد یا زن و مردی را اکراه به زنا نماید، در این صورت آیا بر مردی که اکراه بر زنا شده مسئولیت مدنی به شرح فوق مستقر می‌شود؟

اگر فقط مرد، مکروه و زن راضی بر زنا باشد، در این صورت بنابر قاعده اقدام، زن مستحق مهرالمثل و یا ارش البکاره نخواهد بود (برای تأیید این نظر و بررسی مبسوط این موضوع و تفسیر عبارت «چیزی ثابت نیست» در ماده ۶۵۸ ق.م.ا رجوع کنید: آوان و سلطانی، ۱۳۹۶، صص ۱۸-۲۷؛ محمودیان اصفهانی و مال میر، ۱۳۹۲، صص ۱۳۳-۱۳۵). به عبارت دیگر در این حالت مکروه و مکروه معاف از مسئولیت مدنی هستند. تبصره ۱ ماده ۶۵۸ ق.م.ا نیز همین نظر را در بر دارد. اما ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی به گونه‌ای انشا شده که گویا در تعارض با تبصره ۱ مذکور است؛ زیرا ماده ۹ ق.م.ا دلالت دارد بر اینکه اگر زنا یا مطاوعی در اثر اغفال و یا حيله صورت گیرد، زن می‌تواند خسارت مادی و معنوی را از زانی مطالبه نماید. حال آیا رابطه بین این دو ماده رابطه نسخ است یا تخصیص؟ توضیح اینکه ماده ۹ مذکور، هم زنا یا مطاوعی را در بر می‌گیرد و هم زنا یا غیرمطاوعی را. به عبارت دیگر ماده ۹ ق.م.ا سه مورد را ذکر کرده است که عبارتند از: اعمال حيله، اعمال تهدید و سوءاستفاده از زیردست بودن. از سه مورد مذکور اعمال حيله و سوءاستفاده از زیردست بودن ممکن است با تهدید و یا بدون تهدید صورت گیرد که حالت اول واجد اکراه و حالت دوم

فاقد اکراه است. محدوده تعارض تبصره ۱ ماده ۶۵۸ ق.م.ا و ماده ۹ ق.م.م نیز حالت دوم مذکور در فوق است که مطاوعی و فاقد اکراه است. به نظر می‌رسد برای جلوگیری از سوءاستفاده زنان مرتکب زنا مطاوعی و با توجه به اینکه قانون مسئولیت مدنی قبل از انقلاب اسلامی و در زمان حکومت غیراسلامی تصویب شده و طبعاً به مبانی فقه اسلامی در تصویب آن چندان التفاتی نشده است، باید گفت که فقط در محدوده زنا مطاوعی، تبصره ۱ ماده ۶۵۸ ق.م.ا نسخ ماده ۹ ق.م.م است (آوان و سلطانی، ۱۳۹۶، صص ۲۶-۲۷). اما اگر شخصی زن و مردی را اکراه بر زنا نماید، در این فرض برای تعیین مسئولیت یا عدم مسئولیت مکره و مرد مکره ابتدا باید بررسی شود که آیا اکراه مانع تحقق جرم و به تبع آن مانع مجازات است، یا اینکه عمل موضوع اکراه (مکره‌علیه) در صورت تطبیق با عناوین مجرمانه جرم تلقی می‌گردد، ولی اکراه رافع مسئولیت کیفری برای مکره است. این سؤالی است که به عقیده دکتر جعفری لنگرودی کسی به آن نپرداخته است. وی می‌گوید: «سؤالی که باید به صورت علمی طرح کرد و (نکرده‌اند) این است که این اختیار محدود حاصل از اکراه برای تحقق جرائم کافی است؟» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، صص ۳۵۲-۳۵۳).

از مواد قانون مجازات اسلامی چنین بر می‌آید که اکراه در ارتکاب جرائم مانع تحقق جرم نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۴۹، ص ۶۶؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۵۰، ص ۶۷). جرم در اثر اکراه واقع می‌شود، اما این جرم به مکره منتسب نمی‌گردد، بلکه انتساب آن به مکره است. به عبارت دیگر مجرم جرم ناشی از اکراه، شخص مکره است نه مکره؛ مگر درباره اکراه به قتل که هم مکره و هم مکره مجرم محسوب می‌شوند (ماده ۳۷۵ ق.م.ا). بنابراین در غالب موارد اکراه به جرم، برای مکره مجازات فاعل جرم در نظر گرفته شده و اکراه موجب معافیت مکره از مجازات اعلام شده است؛ زیرا اختیار محدود حاصل از اکراه و عدم سوءنیت مکره، انتساب جرم را به مکره از بین می‌برد و آن را منتسب به مکره می‌کند. البته لازم به ذکر است که مطابق ماده ۱۵۱ ق.م.ا اکراهی مانع انتساب جرم به مکره می‌شود که غیرقابل تحمل باشد؛ در غیر این صورت، خود شخص مکره مجرم محسوب می‌گردد. در ماده ۸۴ ق.م نیز قانون‌گذار اکراه به زنا

را مانع تحقق زنا درباره مکره دانسته است. بنابراین با عنایت به مطالب فوق اگر شخصی زن و مردی را اکراه بر زنا نماید، مکره مسئول پرداخت مهرالمثل و ارش البکاره به زن خواهد بود، نه مکره.

نتیجه گیری

درباره مسئولیت مدنی ناشی از اکراه می توان به مسئولیت مدنی ناشی از اکراه موجد خسارت به اموال (شامل اکراه به اتلاف و یا اکراه به تسبیب در ورود خسارت به مال غیر، اعم از مضمون و غیر مضمون، اکراه به غصب و اکراه به انجام عمل حقوقی) و مسئولیت مدنی ناشی از اکراه موجد خسارت به جسم و روان (به طور خاص اکراه به زنا در این مقاله) اشاره کرد. در اکراه موجد خسارت به اموال تأثیر اکراه در همه موارد فوق یکسان نیست و نمی توان یک حکم کلی واحد برای تمام موارد بیان کرد. در برخی از موارد، اکراه رافع مسئولیت مکره است و تمام خسارات ناشی از اکراه بر عهده اکراه کننده قرار می گیرد، اما در برخی موارد نیز اکراه رافع مسئولیت مدنی مکره نیست که در این صورت گاهی مسئولیت به جبران خسارت تماماً بر عهده مکره است و گاهی نیز متضامناً با مکره مسئول قرار می گیرد. نتیجه اینکه اکراه مطلقاً رافع مسئولیت مدنی اکراه شونده نیست، بلکه غالباً رافع مسئولیت مدنی او است.

ضمان مدنی ناشی از اکراه به زنا، پرداخت مهرالمثل (خسارت معنوی) و ارش البکاره (خسارت مادی) است. اگر ثالثی مردی را اکراه به زنا نماید اما زن راضی بر آن باشد (زناى مطاوعی)، طبق قاعده اقدام مسئولیت مدنی برای مکره به وجود نمی آید، اما اگر ثالث مذکور زن و مردی را اکراه به زنا نماید، زنا منتسب به مکرهین نمی شود، بلکه منتسب به ثالث مکره است. در این صورت وی باید مهرالمثل و ارش البکاره را به زن مذکور بدهد.

با عنایت به مراتب فوق و به عنوان ماحصل پژوهش حاضر، مواد قانونی پیشنهادی نگارنده برای اضافه شدن به مواد قانونی مربوط به مسئولیت مدنی، در قانون مدنی و یا قانون مسئولیت مدنی به شرح زیر ذکر و پیشنهاد می گردد:

ماده ۱. در اکراه به اتلاف مال غیر در صورتی که مال غیر مضمون باشد، در مقابل مالک فقط مکزه مسئول است و در صورت رجوع مالک به مکزه، او نیز می‌تواند برای دریافت غرامات به مکزه رجوع کند؛ لیکن در صورتی که مال مضمون باشد، مکزه و مکزه متضامناً در مقابل مالک مسئول‌اند.

ماده ۲. در اکراه به تسبیب در ورود خسارت به مال غیر در صورتی که مال غیر مضمون باشد، با فرض تقصیر مکزه فقط خود او در برابر مالک مسئول جبران خسارت است، اما در فرض عدم تقصیر مکزه فقط مکزه در برابر مالک مسئول خواهد بود. لیکن اگر مال غیر مضمون باشد، مکزه و مکزه متضامناً در مقابل مالک مسئول‌اند.

ماده ۳. حکم جبران خسارات ناشی از اکراه به غصب نیز مطابق مواد ۱ و ۲ فوق است.

ماده ۴. در اکراه به انجام عمل حقوقی در صورتی که مکزه مالک مال مورد معامله باشد، مکزه مطلقاً (اعم از تنفیذ و یا عدم تنفیذ معامله فضولی) ضامن جبران خسارت مالک است.

ماده ۵. در اکراه به انجام عمل حقوقی، اگر مکزه مالک مال مورد معامله نباشد، در صورت صدق عنوان غاصب و یا شبه‌غاصب بر فضول مکزه مشمول مواد ۱ و ۲ فوق قرار می‌گیرد، اما در صورت عدم صدق عنوان غاصب و یا شبه‌غاصب بر فضول مکزه، مکزه در مقابل مالک مسئول است، مگر اینکه خسارتی که به مکزه در اثر عدم قبول خواسته مکزه وارد می‌شد کمتر از خسارتی باشد که از انجام معامله فضولی به مالک وارد شده است. در این صورت مکزه فضول در مقابل مالک مسئول است.

فهرست منابع

۱. آوان، رضا؛ سلطانی، عباسعلی. (۱۳۹۶). جایگاه ارش البکاره، مهرالمثل و خسارت معنوی در زناى مطاوعی از منظر فقه با رویکرد نقد قانون مجازات اسلامی ۹۲. فقه و اصول، ۴۹ (۱۱۰)، صص ۹-۳۰.
۲. ابن‌ادریس حلّی، محمد بن احمد. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (چاپ دوم، ج ۳). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن‌عابدین، محمد امین. (۱۴۲۳ق). رد المحتار علی الدر المختار: شرح تنویر الابصار (ج ۹). ریاض: دارعالم الکتب.
۴. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب المحرمه والبیع والخیارات (چاپ اول، ج ۳). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۵. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۲۸ق). فرائد الاصول (ج ۲). قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۶. بهجت گیلانی فومنی، محمد تقی. (۱۴۲۶ق). جامع المسائل (چاپ دوم، ج ۵). قم: دفتر معظم‌له.
۷. بهرامی، حمید. (۱۳۹۳). ضمان قهری (چاپ دوم). تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۸. تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۱۶ق). إرشاد الطالب إلى التعلیق علی المکاسب (چاپ سوم، ج ۱ و ۲). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۹. تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۶ق). تنقیح مبانی الاحکام: کتاب القصاص (چاپ دوم). قم: دارالصدیقه الشهیده علیها السلام.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۴۹). غصب. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، (۳)، صص ۵۱-۶۷.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۵۰). عناصر غصب (۲). مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، (۷)، صص ۶۳-۹۸.

۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۱). الفارق (چاپ دوم، ج ۱). تهران: گنج دانش.
۱۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۲). فرهنگ عناصرشناسی (چاپ دوم). تهران: گنج دانش.
۱۴. حلّی، شمس‌الدین محمد بن شجاع القَطّان. (۱۴۲۴ق). معالم الدین فی فقه آل یاسین (چاپ اول، ج ۲). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۵. حلّی، نجم‌الدین جعفر بن زهدری. (۱۴۲۸ق). ایضاح ترددات الشرائع (چاپ دوم، ج ۲). قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی علیه السلام.
۱۶. خراسانی، علی محمدی. (بی تا). شرح تبصره المتعلمین (ج ۲). بی جا: بی نا.
۱۷. الدسوقی المالکی، محمد بن أحمد بن عرفه. (بی تا). حاشیة الدسوقی علی الشرح الكبير (ج ۳). دمشق: دارالفکر.
۱۸. رشتی گیلانی، میرزا حبیب‌الله. (بی تا). کتاب الغصب. بی جا: بی نا.
۱۹. الزحلی، وهبه. (۱۴۰۲ق). نظریة الضمان او الاحکام المسؤولة المدنية والجنايية في الفقه الاسلامی. دمشق: دارالفکر.
۲۰. سبزواری، سیدعبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الاحکام فی بیان الحلال والحرام (چاپ چهارم، ج ۲۹). قم: مؤسسه المنار.
۲۱. سیوری حلّی، مقداد بن عبدالله. (۱۴۰۴ق). التفتیح الرائع لمختصر الشرائع (چاپ اول، ج ۴). قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی علیه السلام.
۲۲. سیوطی، الامام جلال‌الدین. (۲۰۱۰م). الاشباه والنظائر فی قواعد وفروع فقه الشافعيه (چاپ اول). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۳. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی العاملی. (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام (چاپ اول، ج ۱۲ و ۱۵). قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیه (چاپ سوم، ج ۷). تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۲۵. عاملی، سیدجواد بن محمد حسینی. (بی تا). مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه (چاپ اول، ج ۱۰). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۶. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة (چاپ دوم، ج ۹). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۷. فخرالمحققین حلی، محمد بن حسن بن یوسف. (۱۳۸۷ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد (چاپ اول، ج ۴). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۸. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۲). قواعد عمومی قراردادها (چاپ دوم، ج ۱). تهران: انتشارات بهنشر.
۲۹. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی (چاپ نهم، ج ۲). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۰. محمودیان اصفهانی، کامران؛ پوربافرانی، حسن و یوسفزاده، حسن. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی مجازات ازاله بکارت در فقه امامیه و حقوق کیفری. پژوهش‌های فقهی، ۱۲(۱)، صص ۱۳۷-۱۷۰.
۳۱. محمودیان اصفهانی، کامران؛ مالیر، محمود. (۱۳۹۲). جبران خسارات ازاله بکارت در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه. مجله حقوقی دادگستری، (۸۳) صص ۱۱۳-۱۵۰.
۳۲. مراغی، سیدمیر عبدالفتاح بن علی حسینی. (۱۴۱۷ق). العناوین الفقهیه (چاپ اول، ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۳. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۱). فقه الإمام الصادق علیه السلام (چاپ دوم، ج ۵). قم: مؤسسه انصاریان.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ق). استفتائات جدید (چاپ دوم، ج ۳). قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۵. موحدی لنکرانی، محمد فاضل. (۱۴۲۹ق). تفصیل الشریعة: الغصب، إحياء الموات، المشتركات واللقطه (چاپ اول). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۳۶. موحدی لنکرانی، محمد فاضل. (بی تا). جامع المسائل (چاپ یازدهم، ج ۲). قم: انتشارات امیر قلم.
۳۷. موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع (چاپ اول، ج ۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳۸. موسوی خمینی، سیدروح الله. (بی تا). تحریر الوسیله (چاپ اول، ج ۲). قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.

۳۹. نجفی کاشف الغطاء، احمد بن علی بن محمدرضا. (۱۴۲۳ق). سفینه النجاه ومشکاه الهدی ومصباح السعادات (چاپ اول، ج ۴). نجف: مؤسسة کاشف الغطاء.
۴۰. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام (چاپ هفتم، ج ۳۷ و ۴۲). بیروت: دار احیاء التراث العربی.



References

1. Al-Dusuqi Al-Maliki, M. (n.d.). *Al-Dasuqi ala Al-Sharh Al-Kabir*. (Vol. 3). Damascus: Dar al-Fikr.
2. Allameh Heli, H. (1413 AH). *Mukhtalaf al-Shia fi Ahkam al-Sharia*. (2nd ed., vol. 9). Qom: Islamic Publishing Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
3. Al-Zuhaili, W. (1402 AH). *Nazariyah al-Ziman aw al-Ahkam al-Mas'uliyah al-Madaniyah va al-Jena'iyah fi al-Fiqh al-Islami*. Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic]
4. Ameli, S. J. (n.d.). *Miftah al-Kiramah fi Sharh Qawa'id al-Alamah*. (1st ed., vol. 10). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi.
5. Ansari, M. (1415 AH). *Kitab al-Makasib al-Muharram, al-Bayy 'wa al-Khayaryat*. (1st ed., vol. 3). Qom: International Congress in honor of Sheikh Azam Ansari. [In Arabic]
6. Ansari, M. (1428 AH). *Fara'id al-Usul*. (Vol. 2). Qom: Majma' al-Fikr al-Islami. [In Arabic]
7. Avan, R., & Soltani, A. A. (1396 AP). The position of Arsh Al-Bakareh, Mahr al-Mithl and moral damage in adultery from the perspective of jurisprudence with a critical approach to the Islamic Penal Code 92. *Jurisprudence and Principles*, 49(110), pp. 9-30. [In Persian]
8. Bahrami, H. (1393 AP). *Coercive guarantee*. (2nd ed.). Tehran: Imam Sadegh University. [In Persian]
9. Behjat Gilani Foumani, M. T. (1426 AH). *Jame' al-Masa'il*. (2nd ed., Vol. 5). Qom: His Holiness's office. [In Arabic]
10. Fakhr al-Muhaqiqin Helli, M. (1387 AH). *Izah al-Fawa'id fi Sharh Moshkelat al-Qawa'id*. (1st ed., vol. 4). Qom: Ismailian Institute. [In Arabic]
11. Heli, N. (1428 AH). *Izah Taradodat al-Shara'e*. (2nd ed., vol. 2). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications. [In Arabic]
12. Helli, S. (1424 AH). *Ma'alim al-Din fi Fiqh al-Yasin*. (1st ed., vol. 2). Qom: Imam Sadegh Institute. [In Arabic]
13. Ibn Abedin, M. A. (1423 AH). *Rad Al-Mukhtar Ali Al-Dar Al-Mukhtar: Sharh Tanwir al-Absar* (Vol. 9). Riyadh: Dar al-Alam al-Kitab. [In Arabic]

14. Ibn Idris Heli, M. (1410 AH). *Al-Saraei Al-Hawi le Tahrir al-Fatwa*. (2nd ed., vol. 3). Qom: Islamic Publishing Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
15. Jafari Langroudi, M. J. (1349 AP). Ghasb. *Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran*, (3), pp. 51-67. [In Persian]
16. Jafari Langroudi, M. J. (1350 AP). Elements of usurpation (2). *Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran*, (7), pp. 63-98. [In Persian]
17. Jafari Langroudi, M. J. (1391 AP). *Al-Fariq*. (2nd ed., vol. 1). Tehran: Ganje Danesh. [In Persian]
18. Jafari Langroudi, M. J. (1392 AP). *Dictionary of Element Studies*. (2nd ed.). Tehran: Ganje Danesh. [In Persian]
19. Katozian, N. (1372 AP). *General Rules of Contracts*. (2nd ed., Vol. 1). Tehran: Behnashr Publications. [In Persian]
20. Katozian, N. (1390 AP). *Civil Liability*. (9th ed., Vol. 2). Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
21. Khorasani, A. M. (n.d.). *Sharh Tabsirah al-Mute'alemin*. (vol. 2).
22. Mahmoudian Esfahani, K., & Malmir, M. (2013). Compensation for the loss of virginity in Iranian criminal law and Imami jurisprudence. *The Judiciary Law Journal*, (83) pp. 113-150. [In Persian]
23. Mahmoudian Esfahani, K., & Pourbafrani, H., & Yousefzadeh, H. (1395 AP). A comparative study of the punishment of deprivation of virginity in Imami jurisprudence and criminal law. *Jurisprudential Researches*, 12(1), pp. 137-170. [In Persian]
24. Makarem Shirazi, N. (1427 AH). *New Religious Questions*. (2nd ed., Vol. 3). Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School Publications. [In Arabic]
25. Maraghi, S. M. (1417 AH). *Al-Anawin al-Fiqhiyah*. (1st ed., vol. 2). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
26. Mousavi Khomeini, S. R. (1421 AH). *Kitab al-Bay'*. (1st ed., Vol. 2). Tehran: The Institute for Publications and Preparation of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]

27. Mousavi Khomeini, S. R. (n.d.). *Tahrir al-Wasila*. (1st ed., vol. 2). Qom: Dar Al-Alam Press Institute.
28. Movahedi Lankarani, M. F. (1429 AH). *Tafsil al-Shari'a: Al-Qasb, Ihya al-Mawat, al-Mushtarakat va al-Laqti*. (1st ed.). Qom: Jurisprudential Center of the Imams. [In Arabic]
29. Movahedi Lankarani, M. F. (n.d.). *Jame' al-Masa'il*. (11th ed., Vol. 2). Qom: Amir Ghalam Publications.
30. Mughniyeh, M. J. (1421). *Fiqh of Imam Al-Sadiq*. (2nd ed., Vol. 5). Qom: Ansarian Institute. [In Arabic]
31. Najafi Kashif al-Ghitta ', A. (1423 AH). *Safinat al-Najah, Mishkah al-Huda, and Misbah al-Saadat*. (1st ed., vol. 4). Najaf: Kashif Al-Ghitta Institute. [In Arabic]
32. Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahar al-Kalam fi Sharh Shara'e al-Islam* (7th ed., vols. 37 & 42). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
33. Rashti Gilani, M. (n.d.). *Kitab al-Qasb*.
34. Sabzevari, S. A. (1413 AH). *Mahadab al-Ahkam fi Bayan al-Halal va al-Haram*. (4th ed., vol. 29). Qom: Al-Manar Foundation. [In Arabic]
35. Seivari Heli, M. (1404 AH). *Al-Tanqih al-Ra'i le Mukhtasar al-Shara'e*. (1st ed., vol. 4). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications. [In Arabic]
36. Shahid Thani, Z. (1413 AH). *Masalik al-Afham ila Tanqih Shara'e al-Islam*. (1st ed., vols. 12, 15). Qom: Mu'asisah al-Ma'arif al-Islamiyah. [In Arabic]
37. Soyouti, J. (2010). *Al-Ashyah va al-Naza'ir fi Qawa'id va Forou' Fiqh Shafi'ei*. (1st ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah.
38. Tabrizi, J. (1416 AH). *Irshad al-Talib ila al-Ta'aliq ala al-Makasib*. (3rd ed., vols. 1, 2). Qom: Ismailian Institute. [In Arabic]
39. Tabrizi, J. (1426 AH). *Tanqih Mabani al-Ahkam. Kitab al-Qisas*. (2nd ed.). Qom: Dar al-Sadiqah al-Shuhada '[In Arabic]
40. Tusi, A. (1387 AH). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyah*. (3rd ed., vol. 7). Tehran: Mortazavi Library for the Revival of Jafariyeh Works. [In Arabic]